



حسین حقگو کارشناس اقتصادی

این حد از ساده‌انگاری و این میزان تخریب کسب‌وکار و زندگی مردم باورکردنی نیست. نمایش تراژدی کمدی‌قیمت‌گذاری دولتی به پرده‌هایی رسیده است که هوش از سر آدمی به در می‌کند و اشک بر دیدگان و خون بر شقیقه‌ها می‌نشانند. نمایشی که تأثیر نابودگر خود را چند ده سال قبل در اقتصادهای کمونیستی و متمرکز دولتی نشان داده بود و با فروپاشی آن سیستم‌ها چنین تصور می‌شد که مایه عبرت شده باشد، زهی افسوس اما! قیمت‌گذاری کالاها که چند ماه قبل با درج قیمت «تولیدکننده» به جای «مصرف‌کننده» آغاز شده بود، پس از طی مراحل، اکنون به ایستگاهی رسیده که علاوه بر قیمت تولیدکننده، باید قیمت مصرف‌کنندگان نیز روی کالاها درج شود. سازوکار این قیمت‌گذاری نیز براساس سفته‌بندی و محاسباتی است که بی‌شک چاه و چاله دیگری است در مسیر و جاده بسی نااهوار حرکت ماشین اقتصاد. یکی از مقامات ارشد وزارت صمت و مسئول و مدافع این فرایند در اظهارات اخیر خود درباره قیمت مصرف‌کننده، کالاها را به دو دسته دارای «گردش سریع» (تند مصرف) و «گردش کند» (کند مصرف) تفکیک و عنوان کرده: «کالاهای غذایی دارای گردش سریع و کالاهای لوازم خانگی

دست از ساده‌انگاری برداریم!

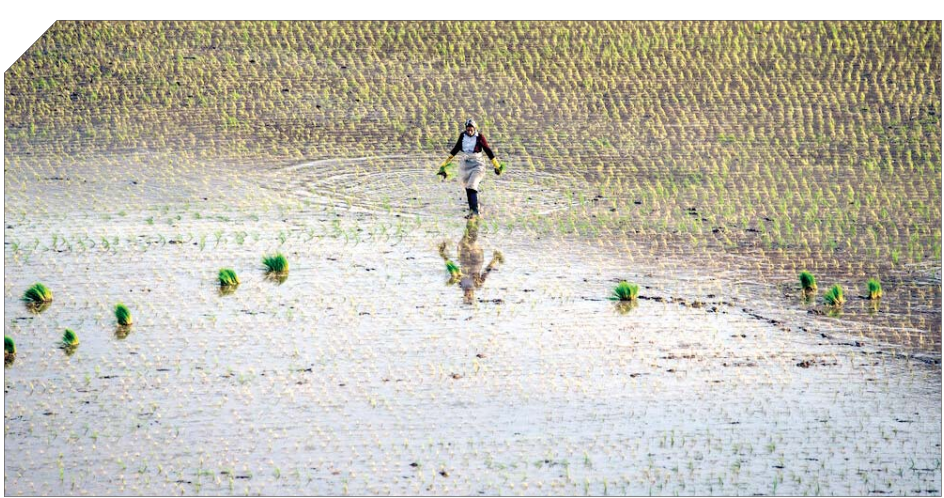
دراي گردش کند هستند. ضرایب این کالاها متفاوت است و با توجه به تفاوت‌های مختلف کالاها از نظر زونی هزینه‌های حمل نیز متفاوت است» (رسانه‌ها- ۱۴۰۱/۷/۴). با توجه به قناس‌بودن این لباس بر تن اقتصاد، باید چند روز دیگر احتمالا منتظر کالاهاي دارای «گردش نيمه‌سريع» و «گردش نيمه‌کند» و پس از آن احتمالا انواع گردش‌های خیلی سریع و اکسپرس و سوپر سریع و ازدر سریع یا برعکس، به‌شدت کند، ساکن و مایل به حرکت و... باشيم تا براساس این تقسیم‌بندی‌ها، سود توزیع‌کننده از سوی شمار عظیم بوروکرات‌های دولتی در وزار‌تخانه‌ها و سازمان‌ها و... طی فرمول‌های چند صد مجهولی کشف و در اختیار فروشنده و مصرف‌کننده بینوا قرار داده شود تا براساس‌آن شیر و ماست و پخچال و تلوزیون و... خرید و فروش شود. اما مشکل آنجاست که هنوز چسب، برچسب قیمت روی کالاها خشک نشده، قیمت‌ها بر خلاف نظر و میل مسئولان دولتی و متأثر از مشکلات ساختاری اقتصادی و عدم تعادل‌های طرف عرضه و تقاضا (کسری بودجه دولت و افزایش عرضه پول، افزایش نرخ ارز و مباد اولیه و هزینه‌های نیروی کار، ساختار نامناسب اداری و نااطمینان‌های سیاسی و اقتصادی و انتظارات

بررسی سهم کشاورزی از بحران آب در ایران

کشاورزی به خط پایان رسید؟

محمد آزاد

محمد آزاد: بحران آب در ایران به جایی رسیده است که رودخانه و تالاب غیب می‌شود! اگر روزی به یکی از ساکنان آذربایجان می‌گفتید دریاچه ارومیه خشک می‌شود، دیگر و جود نخواهد داشت. حداقل در دل به شما می‌خندید. هیچ اصفهانی‌ای به خواب هم نمی‌دید زاینده‌رود نباشد و گمان نمی‌رفت در شمال تالاب انزلی از بین برود و در جنوب هورالعظیم دود شود. انکار از اول نبوده‌اند؛ اما همه این اتفاقات افتاد و حالا پای حیات تمدن ایران در میان است؛ اما کشاورزی چقدر مقصر است و آیا باید کشاورزی را در فلات ایران رها کرد؟ یکی از راه‌های بازکردن هر کلافی پرداختن به هر یک گرّه به شکل مستقل است. این گزارش نقل سه روایت از یکی از گرّه‌های کلاف کم‌آبی، یعنی کشاورزی است. روایت اول از مقامی رسمی و دولتی؛ فریبرز عباسی، سرپرست معاونت آب و خاک وزارت جهاد کشاورزی. روایت دوم از بخش خصوصی؛ اعظم بیگی، مدیر پیشین بخش آب مرکز ملی مطالعات کشاورزی و آب اتاق ایران. روایت سوم از مجید مخدوم فرخنده، استاد دانشگاه تهران.



گفت این حرف اشتباه است. این درست است که در زمینه‌هایی مثل اشتغال، کشاورزی کارنامه مناسب ندارد و ظرفیت اشتغال بیشتر هم ندارد و این هم درست است که بیشترین مصرف آب کشور در زمینه کشاورزی است، حالا عدش مهم نیست به هر حال بالااست؛ یعنی به نظر شما کشاورزی را تعطیل کنیم عاقلانه است؟ «این نگاه بسیار کلان و مدیریت صحیح می‌خواهد. مثلا به کشاورز بگوییم دیگر سیب نکارد. خوب چه کار کنید؟ باید اشتغال جایگزین تعریف شود. حرف من این است که ما در شمال بازدهی برنجمان پایین یک است

تازه در ایلام و خوزستان و اصفهان هم کشت می‌شود. ببینید منابع آب تجدیدپذیر ما بسیار پایین آمده. در این چند سال با برداشت‌های بی‌رویه از منابع زیرزمینی وضعیت هر روز بدتر و بدتر شده و مسئله ما اساسا تبدیل به مسئله‌ای بنیادی‌تر یعنی پایداری سرزمینمان شده؛ اما همین هم مهم‌ترین عاملش مدیریت است. نگاه ما بخشی است و کلان نیست. وزارت نیرو به کشاورزی می‌گوید، کشاورزی به صنعت می‌گوید و الی آخر، ولی سخن درست و منصفانه این است که ما همه با هم این وضعیت را ساخته‌ایم.» می‌پرسم بحران خیلی بزرگ است و به چشم مردم می‌آید؛ مثلا رودخانه نیست شده اما شما باور دارید که این بحران قابل حل است. «قابل حل است اما باید واقع‌بینانه گفت که تقریبا به آخر خط رسیده‌ایم. شاید تا چند سال دیگر واقعا راه برگشتی وجود نداشته باشد. همین حرف هم با کمی خوش بینی است؛ مثلا منابع تجدیدناپذیر را بی‌رویه برداشت می‌کنیم، ما امروز کسری مخزن داریم، فرونشست دشت‌های ما دیگر جبران پذیر نیست. اما این روند تخریبی را حداقل متوقف که می‌توانیم بکنیم؛ می‌شود از فرسایش بیشتر خاک جلوگیری کرد. سال ۹۷ یا یکی از نظریه‌پردازان آب مجازی که به ایران دعوت شده، بود به ارومیه رفتم. آبان ماه بود و ما می‌دیدیم که در کنار جاده سیب‌ها را جابه‌جا تپه کرده بودند و دور ریخته بودند. یعنی آن قدر سیب تولید کرده بودند که مازاد آورده بود! این همان بحران مدیریت است که از همه چیز جدی‌تر به نظر می‌رسد.

مجدد مخدوم فرخنده: این کشاورزی نیست آب می‌فروشیم!

همان سواله و عدد ۹۲ درصد را به مخدوم می‌گویم. جواب این است که «بیشترین هدررفت آب مربوط به لوله‌های آب‌رسانی ماست. به دلیل فرسودگی لوله‌ها تا ۳۰ درصد آب را از دست می‌دهیم. حالا در هر بخش که نگاه کنید چه صنعت، چه کشاورزی و... حجم بسیار بالایی می‌شود. اما به طور کلی مصرف آب کشاورزی در ایران بسته به منطقه جغرافیایی بین ۵۰ تا ۹۰ درصد نوسان دارد.» مثال کشت‌های که نظر ام‌مقول را مطرح می‌کنم. م‌پرسم که است. کشت سیب در ارومیه به‌هیچ‌عنوان توصیه ندارد. من بارها و بارها به خزرکوب‌ها و در صداوسیم‌ا گفته‌ام که مطابق بررسی‌های ما در یک طرح پژوهشی چنین نتیجه شد که سیب هشت برابر انگور و انگور چهار برابر کدند و جواب مصرف می‌کند. کشت سیب را به ما تحمیل کردند و تاکستان‌های با محصول بسیار باکیفیت ما را از بین بردند و به جای آن سیب کاندشتند. درد اصلی ارومیه این‌یل (یل ارومیه- تبریز- است و بعد از آن سیب‌کاری. در شهرهای دیگر

تورمی جامعه و...) تغییر کرده و مسئولان محترم باید بلافاصله جلسات دیگری تشکیل دهند و شروع به محاسبات عجیب و غریبی کنند که حتی سوپرکامپیوترها هم قادر به محاسبه آن نیستند. آن چنان که دولت چین در دهه ۸۰ میلادی و قبل از اصلاحات قیمتی باور داشت که در صورت وجود سازوکار محاسبه‌گر قوی می‌توان به صورت علمی قیمت‌ها را محاسبه کرد. به همین منظور کمیسیونی را در سال ۱۹۸۱ به سرپرستی ۵۰ اقتصاددان شکل داد تا با استفاده از جداول داده-ستانده و رایانه‌های پیشرفته قیمت‌ها را محاسبه کنند و بتوانند پرند «قیمت‌ها» را در قفس برنامه‌ریزی دولتی نگه دارند و مانع پرواز آن شوند (چین چگونه سرمایه‌داری شد- رونالد کوز- نینگ وانگ) حاصل البته هیچ بود. همان‌طور که «دفتر برنامه‌ریزی مرکزی» در شوروی سابق نتوانست جانشین نظام بازار شود و تولید، توزیع، قیمت‌گذاری و سرمایه‌گذاری را به صورت دستوری، هدایت و سامان دهد. سخت تاسف‌بار است که حرکت غلطی که از همان ابتدا محکوم به شکست بود (درج قیمت تولیدکننده) و قرار بود به کاهش قیمت‌ها و کاهش مداخلات دولت در بازار بینجامد، نه‌فقط به ارزان‌ی کالاها منجر نشد

یادداشت

سرنوشت واکنس سازان؛ شکست یک سیاست‌گذاری ناصحیح

احسان بدایخی

موضوع اقا فقط این نیست؛ طبق آنچه سیدحسین صفوی، رئیس هیئت امنای صرفه‌جویی ارزی وزارت بهداشت، در جلسه مذکور گفته، دولت بیش از ۶۰ درصد مبلغ قراردادهای خود را به واکنس‌سازان بدهکار است و چشم‌انداز مشخصی هم برای بازپرداخت این بدهی وجود ندارد. به عبارتی ساخت واکنس کرونا نه‌تنها برای واکنس‌سازان داخلی موقعیت‌جدیدی خلق نکرده، بلکه حتی برای آنها بحران مطالبات مالی از دولت و در نتیجه مشکلاتی نظیر مشکل سرمایه در گردش را هم ایجاد کرده که می‌تواند منجر به زمین‌گیرشدن آنها شود. موضوع را ساده کنیم؛ موقعیتی که قرار بود طبق شعار برخی سیاست‌گذاران، واکنس‌سازان ایرانی را به مرزهای موفقیت بین‌المللی برساند حالا آنها را در معرض ورشکستگی قرار داده.

نمونه واکنس کرونا، از شعارهایی که داده شده تا نتیجه معکوسی که به آن منتهی شد، در تاریخ مدیریت ایران کم نیست. از آب و محیط زیست گرفته تا صنعت و انرژی. اینکه ما با شعارهای جالبی کاری را آغاز می‌کنیم و در نهایت به نتیجه‌ای متفاوت و حتی معکوس می‌رسیم. عنصر کم‌گرفته می‌شود و همه تحولات به «تلاش» سیاست‌گذاری» و «محاسبه منطقی» آتا اقدامات است. در ایران ببینشی حتی تا سطوح کلان تصمیم‌گیری وجود دارد که معتقد است «تلاش» و «کار بیشتر» می‌تواند ما را به سوی بهبود اوضاع و پیشرفت مستمر رهنمون کند. در این بینش اما سهم اثرگذاری سیاست‌گذاری صحیح و همین‌طور کیفیت قوانین و سیاست‌ها به عمد یا غیرعمد نادیده گرفته می‌شود و همه تحولات به «تلاش» سطوح مختلف نیروی انسانی محول می‌شود. بی‌آنکه اشاره شود سیاست‌گذاری غلط، مشکلات ساختاری یا قوانین اشتباه آن قدر قدرت اثرگذاری دارد که می‌تواند حاصل این تلاش‌ها را صفر کند. اینکه همین عوامل قادر هستند تا اساسا نیروی انسانی را از «تلاش» هم منصرف کنند، بحث دیگری است.

سرنوشت واکنس‌سازان کرونا یکی از نمونه‌های متعدد عینی به‌عنوان ردیه‌ای در همین بینش است. جایی که نیروی کار تلاش خود را کرده و حتی به محصول نهایی دارای سطحی از کیفیت هم رسیده؛ اما «سیاست‌گذاری» اشتباه و «محاسبه» غلط شرط، نتیجه آن تلاش را به شکل واکنس‌هایی در آستانه انقضا و شرکت‌هایی با طلب‌های وصول‌نشده چند هزار میلیاردی متبلور کرده است. این یک تراژدی است که واکنس‌سازان ما با تشویق مستمر تصمیم‌گیران سیاسی وارد کاری شوند که نهایتش برای آنها قرارگرفتن در چنین وضعی باشد. آنچه پیش‌تر در صنعت اتومبیل، کشاورزی، معادن، تولید فولاد، محیط زیست، گردشگری، تجارت و... ما هم گذشته کم‌وبیش جدای از همین منطق نیست. خلاصه ماجرا این است؛ سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران در ایران باید بدانند که عامل نیازمند تغییر- و اصلاح برای بهبود اوضاع کشور کیفیت سیاست‌گذاری و تصمیم‌آنهاست، نه تلاش نیروی انسانی. سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری باکیفیت است که می‌تواند نیروی انسانی را به تلاش مؤثرتر ترغیب کرده و ماحصل این تلاش را به صورت بهبود شرایط متبلور کند.

● عکس: شهرام صفورانی



PGSOC
Persian Gulf Slim Oil Company
شرکت نفت ستاره خلیج فارس(سهامی عام)

مناقصه عمومی تأمین ۷۰۰ کیلوگرم کاتالیست مراکس (IVKAZ)

شماره مناقصه: PGSOC-LEC-CATALYST-TE-01855

شرکت نفت ستاره خلیج فارس (سهامی عام) در نظر دارد ۷۰۰ کیلوگرم کاتالیست مراکس (IVKAZ) را از طریق مناقصه عمومی به تولیدکننده /تأمین کننده واجد شرایط واگذار کند، بنابراین از همه شرکت‌های معتبر دعوت می‌شود برای تهیه اسناد مناقصه تا تاریخ ۱۵/۰۲/۱۴۰۱ با ارسال نامه، اعلام آمادگی و فیش خرید اسناد را از طریق پست الکترونیکی ارسال کنند.

هزینه خرید اسناد: ۲,۰۰۰,۰۰۰ (دو میلیون) ریال **واریزی به حساب شماره ۱۳۴ ۰۳۸۱ ۰۳۳۹ بانک تجارت با شماره شبا ۱۳۴ ۰۳۸۱ ۰۳۳۹۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱۸۵۱۰۱** **به نام شرکت نفت ستاره خلیج فارس (متقاضیان به منظور دریافت شناسه اختصاصی پرداخت می‌بایست با بخش خزانه امور مالی به شماره ۰۲۶۷۷ ۰۳۱۳۱ ۰۵۷۶ و ۰۳۱۳۱۳۳۵۷ تماس حاصل فرمایند.)**

میزان ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه: مبلغ ۷۵۰,۰۰۰,۰۰۰ (هفتصد و پنجاه میلیون) ریال.

مهلت تحویل بسته پیشنهادی مناقصه: تا پایان وقت اداری مورخ ۲۸/۰۲/۱۴۰۱

محل تحویل بسته پیشنهادی مناقصه: بندرعباس، کیلومتر ۱۳ محور بندرعباس به بندر خمیر، بلوار شهید سردار سلیمانی، میدان نفت، بلوار خود کفایی، شرکت نفت ستاره خلیج فارس، امور حقوقی و قرارداده‌ها.

تلفن: ۰۳۱۳۱ ۰۵۷۶ داخلی ۰۳۷۰۶، **دورنگار:** ۰۳۱۳۱۳۱۳۱ ۰۷۶، **کدپستی:** ۷۹۳۱۱۸۱۱۸۳

ایمیل: Legal@pgsoc.ir

روابط عمومی و امور بین الملل شرکت نفت ستاره خلیج فارس